

## بنام خدا و خلق قهرمان ایران

و بنام تمام شهدای خلق و شهدای تمامی خلق و بویژه شهیدان دانشگاه، شهیدانی که به ما آزادی بخشیدند آزادی نه مجسسه آسمانی، گفتم آزادی، یعنی روح، جوهر و اهمیت انسان این چیز است که شهدا بخاطرش جان باختند، اسرا به زندان افتادند. تبعیدیان مهاجرت کردند و خلق قهرمانان قیام کرد آزادی، این آن چیزی است که شما به ما بخشیدید. خواهران، برادران، عزیزان بایستی به عرضتان برسانم که قراری نبود که من صحبتی داشته باشم، هم بعلمت بیماری و هم به کثرت اشتغالاً این روزها یعنی محبت مردم، یعنی محبتهای شما، خواهران و برادران و هم به علت اینکه واقعا "فرصتی نبود آماده بشوم برای گرفتن وقت شما عزیزان ولی نمیدانم چطور شروع شد و توی روزنامه‌ها هم نوشتند. بنا براین توی راه که می‌آمدم فکر کردم که "طبعاً" چیزی ندارم جز کمی حرف دل و کمی هم درد دل و کمی هم گزارش مربوط به ۱۴ سال فعالیت سازمان و ۷ سال زندان بخصوص چیزی که صحبت کردن را برایم مشکل می‌کند، بیان آن احساسی است که فی الواقع در قلبم و قلب تک‌تک برادرانم می‌گذرد. لحظاتی هستند که فکر نمیکنم نه تنها من، بلکه هیچ‌کس توان وصف آنها را داشته باشد. مثلاً لحظه دستگیری، لحظات رنج و عذاب لحظه آن که با شهیدی وداع میکنید، لبهای بیدارش را می‌بوسید و طنین قلبش را می‌شنوید لحظه‌ای که با فریاد شکنجه خواهرتان و یا برادرتان از خواب می‌پزید و یا لحظه‌ای که خیر شهادت خواهر یا برادری را میشنوید و یا لحظه‌ای که خلقتون قیام میکنید و شما را آزاد می‌کند و به آغوش خلقتون باز می‌گردید، چیزها را که در خواب هم نمیدید و البته از محضر دانشمندان، ادبا و شعرائی که در اینجا حضور دارند من معذرت میخواهم شاید اونها بتوانند این لحظات رو وصف کنند شاید اونهایی را که الان اینجا میشناسم گنجه‌ای ها، یا گرمارونها، بتونن و وصف کنند ولی فکر میکنم که خود اونها هم قبول خواهند کرد خود اونها شاید برخلاف ما مردمان عادی این لحظات را بیشتر تجربه کردند، پس اشکال وصف اونها را بهش وارد هستند میدونید.

وقتی ما رفتیم، با چشم‌های بسته ما را بردند بر دست‌ها و پاها چیزی جز زنجیر نبود، اما وقتی برگشتیم در آغوش مردم مومن بودیم و در دستهامون گل بود و بر روهامون بوسه آیا میشد این لحظات رو وصف کرد جلی شهیدان خالی اونهایی که در میان مانع هستند، نه، نه، هستند، حتماً هستند اگر مزارشان ناپیداست. میلیونها مزار در سینه تک‌تک مردمان این زمین واقعا "در حال تپش هست چرا که شما مردم هم با آنها بودید وقتی اونها شدند میشدند این خلق ایران بود که فریاد میکشید وقتی در مقابل جوخه‌های اعدام قرار میگرفتند این مردم ایران بودند که اعدام میشدند شما در رگهای اونها جاری بودید و اونها الان در سینه‌های شما هستند پس شهیدان هستند، وقتی ما رفتیم آسمان تیره و تاریک بود که گاه ستاره‌ای در کسوت یک شهیدی درخشید ولی پاسداران شیب بسرعت پائینش میکشیدند. ولی امروز آسمان غریب ستاره‌هاست. همه جا شهید کاروان کاروان شهید وقتی رفتیم پاییز بود زمستان بود تک‌تک لاله‌ها که دستهای سیاه اونهارا پریر میکرد ولی امروز همه چهره شهرهای ما لاله‌زار است، این جوانها، زنها و مردها که هر روز بر کف خیابانها افتادند و می‌افتند. ما در زندان بطور تصادفی بهمون اجازه دادن یعنی تونستیم اون فیلم چند دقیقه‌ای رو کسسه از دانشگاه همین دانشگاهی که خودم هم فرزندش هستم ببینیم لابد شما هم دیدید، خروش رو دیدیم، فریاد رو دیدیم، شهدا رو به چشم دیدیم. اون روز دیگه دانشگاه دانشگاه نبود شهادتگاه شده بود زیارتگاه شده بود. آخر شما تو این سالها این دانشگاه را به سید و محرایی برای آزادی تیدیدید که

و نمی ایستند تملور شرف این مردم بودند اونقدر دامنه کار شما وسعت داشت که طنپنشر از میله سناج فولادی و از دیوارهای بتونی میگذشت و به ما روح میداد و زنده مون نگه میداشت آخه اونها میخواستند که ما بیوسیم ، شما چه که نکردید و چه افتخاری امروز نصیب من شده که در مقابل آگاهترین و ضمیمه ترین پيشاهنگان این مردم بتونم تعظیم رو نثار کنم ، نه گارد ، نه چماق بدست و نه زگیار نتونست فریاد دانشگاه رو خاموش کند ، چرا ، مظهر حیات یتا خلق بود . مظهر زندگیتر بود . مگر نیست که حیات چیزی نیست جز عقیده و جهاد . درود بر دانشگاه ، بهمین دلیل ما هم امروز برای زیارت آمدیم تنه دیگه تنها دانشگاه نیست نشا نر هم هجوم همه موده روزگه اینجا باز سیشه عموم خلق ، عموم اقشار و طبقات خلق ، اون لارگران دلیر که تاریخ سیجیوقت فراموش نخواهد کرد که در چه روزهای حساس سرنوشت ایران در دستشون بود نفتی ، لایبرش ها و اصولاً " عموم اقشار و طبقات مردم ، و به همین دلیل مسئولیت شما زیاده و خیالی هم زیاده ، گفتم برای زیارت آمدیم و هنوز طنپن اون لا اله الا الله را در گوش داریم . شام خلق ایران دارد ، تمام تاریخ ایران خواهد داشت . تمام جهان ، شایسته اون صحنه را دید و گریست ولی میدونید تفاوتگرسیه شما با سوز جگر فرزندانتون در زندان چه بود آخه ما در بند بودیم فریاد کشیدن هم مشکل بود . گاه گریستن هم مشکل بود چه میشه کرد . **بما گفته بودند خلق هه . . . . . هه . . . . . هه . . . . . هه ؟** کدوم خلق به اونهایی که در **درو** شدنجه ها خدای خلق را میطلبیدند خدا و خلق را میطلبیدند به یاری ، میگفتند کدوم خلق . بمونعه و بیوسیه اینجا جزیره ثبات است ، اینجا بهشت سرمایه داران خارجی شده بود ، اینجا **صحنه** جشنهای باصطلاح جادو انگی رژیم شده بود . میگفتند تموم شد دیگه چیزی نیست خبری هم **نمودن** ظاهر خبری نبود ولی بی خبری هم نبود والا این تحولات یکسال و دو سال اخیریت لحظه که ایجاد نشد پس همه خبر داشتند ، همه در دست داشتند و همه با فرزندان مبارز و معاهدشون **همدردی** داشتند بله میگفتند . خبری نیست ، کدوم خلق خلق کجا ، ولی ما میگفتیم الیس صبح به قریب از پشت میله ها و از پشت پنجره ها نگاه من کردند فرزندان شما برادران شما و خواهران شما و زمزمه میزدند الیس صبح به قریب آیا صبح نزدیک نیست ، . . . نصرالله پس این یارک خدا کجاست مگر همیشه خورشید رو نشست ، مگر همیشه باد را از وزیدن بازداشت و باران از باریدن . مگر همیشه اقیانوس رو خشک کرد . ما میگفتیم مگه سیشه بهار را از آمدن بازداشت ، مانع روئیدن لاله ها شد و هر همیشه ملت را تا به ابد اسیر نگه داشت ، نه ، همیشه تا ابد خلقی را در زندگییر نگه داشت نه ، چرا ؟ خراست خدا ست اراده خلقه ، سنت تاریکه ، قانون اجتماعه ، ولن تجدنسته الله تبدیه " ولن تجدنسته الله تحویلا " میدان خدا ست ، میدان تخلات ناپذیر و لم یخلف الیغادر بله سنت خدا سنت سیره تاریکه ، بشارت همه انبیا ، پیام آوران ، محصلین و نظریون بزرگ جهانند خلق پیروزمیشور . آینده طلبان است همه قوا و استعداد و فرزندانشان از شامگاه امکان قطعا " به بامداد تحقق خواهد پیوست . بامداد تحقق بدون هیچ **شست** . . . بله ، بظا هر خیری نبود . **یت** روز به ملاگفتند که قم قیام نرده این زمان و مردان انقلابی قم قیام کرده اند شهید داده اند . درود بر قم بعد نوبت تبریز رسید خاطره ستار و باقر زنده شد . تبریز قهرمان تبریز آزاد ستان قیام کرد . در روزنامه ها خواندیم ، گفتند عده ای از آن بارت مرز آمدند و رفتند عجب ، ۳۶ میلیون نفر شبها از آن طرف مرز میآیند به این طرف و صبح هم غیب میشوند معلوم نیست چطور مثل اینکه دوران دوران جادو گرانه جادو میکنند ، بعد در روزنامه ها شو **ناعد** کردند که تموم شد دیگه ، دیگه خبری نیست ، بیهه به یکی یکی **نوبت** رسید .

جهرم ، شیراز ، یزد ، اصفهان ، مشهد ، همدان ، کرمان قیام کردند درود بر این شهرها ، درود  
 بر این شهدا شون درود بر جهرم ، درود بر شیراز ، درود بر اصفهان ، درود بر مشهد ، و بعد ، و بعد هفده  
 شهریور تهران بزرگ به عهد خودش وفا کرد . چه عهد خونینی . ایکاش ما میبودیم در مقابل اون -  
 صفوف ولی شنیدیم که مادران مان بودند ، خواهران مان بودند و با گلوله های آمریکائی و انگلیسی  
 سینه ها و سرهای اونها شکافته شده ، آیا اون لحظه رومیشه وصف کرد . احساس میکنید فرزندان تون  
 در اون لحظه در چه حالتی بودند در چه حالتی در بند بودند ، درود بر تهران بزرگ ، ولی کشتار فایده  
 - ای نکرد چرا ؟ از پیش شما دانشگاهیان شما دانشجویان وعده داده بودید ، شما نشانه طلوع صبح  
 بودید نشانه پایان شب بودید ، نشانه نسل جدیدی بودید وعده داده بودید ، بله کشتار فایده ای  
 نکرد ، یکپارچه خون نوازش شده بودید همه شهرها و روستاهای ایران . حتی ماهم از پشت دیوارهای  
 بتونی گاه شعارها رو میشنیدیم . موج اعتصابات ، موج اون اقدامات متهورانه انقلابی سراسر کشور  
 را فرا گرفت . بله ما شنیدیم ، میشنیدیم ، جان بازیها و فداکاریها و کارگران رو ، بازار رو ،  
 دانشگاه رو ، بله این خلق ، و شما بودید که اسرا تون را میخواستید مساله مساله این اسیر یا اون  
 اسیر نبود . ما بخوبی میدونستیم حرمت مردم خدشه دار شده بود پس اسرا شون را میخواستند و گرفتند  
 قدسیت آزادی خدشه دار شده بود پس میخواستند و گرفتند در اون روزها مادرزندان چه میتوانستیم  
 بکنیم . جز اینکه روی چند نان را بر خودمان حرام کنیم و دست به اعتصاب غذا بزنیم ، ولی آیا  
 این کافی بود که آتش دل را تسلی مناسبی باشد . هرگز ، و بالاخره یک روز خواندیم و شنیدیم که  
 بت شکسته شد ، تندیسها فروکشیده شدند و خلق قدم پرش را حاصل کرد بر اشد ، درود به این خلق  
 قهرمان و درود به اون شهدا شهید مبارک باد به شما گوارا باد ، ولی نکته ای را که باید تاکید کنم و  
 لابد همه میدانید بخصوص پیشا هنگام میدونه ، بخصوص اقشار آگاه میدونند که ما هنوز در آغاز راهیم ،  
 بتی رفته ، ولی بت پرستان هنوز هستند ، امپریالیستها هستند از اون سوی ذریاها مدام برای ما  
 نقشه میکشند طرح میریزند ، هوشیاری بسیار زیادی میخواهد احساس مسئولیت بسیار زیادی میخوا  
 - عد میدونید ، امروز دو تا مسئله مهم ما داریم البته من ناوارده هستم تازه از زندان آمدم ، ولی  
 دو تا مسئله مهم داریم یکی خارجی ، امکان هجوم ، امکان یورش و کودتا و همه آن طرحهای ضد  
 انقلابی فاشیستی که میدونید و یکی داخلی ، در داخل صفوف خودمان . در این شکی نیست که علیرغم  
 همه فراز و نشیبها همه نوسانها این کشتار و کودتا نخواهد توانست مساله را حل کند . و پیروزی -  
 نهائی با خلقه ، اما مسئله داخلی ، مساله روابط و مساببات نیروهای مختلف مردم با یکدیگر در  
 یک کلام مساله تفرقه اگر بپذیریم که عوامل خارجی به اعتبار و در روی عوامل داخلی عمل میکنند .  
 پس مساله داخلی مهمتره ، پس اگر در این جنبه پیروز نباشیم و موفق مسلما " تثبیت شده پیروزیمان  
 در جنبه خارجی ما تجارب بسیار مختلفی داریم از تفرقه و تفرقه افکنی و تفرقه افکنان شکستهای بسیار  
 تلخ داریم ، من نیامدم اینجا که روند خود بخودی قضا یا روفقت ستایش کنم ، ما نمیومدیم که  
 اونچه رو که دست و فقط هست تاکید کنیم کلام باید به اون اندیشید که چه چیز باید باشد چه چیز  
 عم نباید باشد . آیا ما میخواهیم نسل ملعونی باشیم ، نسل نفرین شده ای باشیم که فرصت ها رو از  
 دست دادند ، مسائل شون را اصلی و فرعی نکردند و به فرعیات پرداختند . عقیده هر کس جهاد و مبارزه  
 عرگروه محترمه ولی تصور کنید که در کشتی طوفان زده ای هستید که سوراخ شده و ممکنه غرق بشه و  
 از هر طرف تهدید بشه و ما نشستیم بحث اسکولاستیکی میکنیم ، یانه ، بحثهای خیلی خوبی هم میکنیم  
 ولی اونجا جاش نیست ، نگذارید نسل ما نسل نفرین شده ای باشد . من و برادرانم نیامدیم به  
 این دانشگاه به این شهادتگاه و به این زیارتگاه که هر چه را هست ، هر چه را خود بخود اتفاق میفته بی  
 بودیم .

بدیم . زیرا اونها تنها با محکم کردن بر روی اختلافات درونی ما . روی تعارضات حتی درونی ما امن پیدا میکند . که پیش بیاید که دستاوردها مون را بگیرند که اختناک را تکرار کنند که آزادی را به عقب بیاورند . زند صبر و تحمل ، شکییائی را ( صبر به معنای انقلابی ) بلند نظری احساس مسئولیت نخستین وظایف ، نخستین ویژگیهای یک انقلابی است یا یک گروه انقلابی اگر این را نداریم یا نیست کسب کنیم بهتره که خدا حافظی کنیم زیرا مرد و زن زمان حالیشان این خواهد بود که مرا به خیر تو امید نیست شهر مرسان . تازه اول کاره اینقدر هنوز زمان هست اینقدر هنوز نشیب و فراز هست اینقدر هنوز شکست و پیروزی هست . ببخشید برادران ، خواهران ، رزمندگان ، مبارزین ، ما سر نداده بودیم که زر بگیریم به جاش ، بیانمون را مگر برای این داده بودیم که به جاش جاه بگیریم از جا بر نخاسته بودیم قیام نکرده بودیم که در جاهای بهتر و ضد دلیلهای بهتر و مقامات بهتر قعود کنیم . پس امیرالایسم جهانی با جنگالهای بسیار برنده آماده است باید هشیار بود و این هوشیاری از قدم اول به مناسبات و روابط ما با یکدیگر ارتباط پیدا میکند نفت نبود ؟ سوخت نبود ما میشنیدیم چه مصنویات شمالی در این جنوب شهر . حکمفرماست فوق همگامی ، همراهی چقدر ست این آمیز بود آخه طرز از خود مون بیگانه کرده بودند بیگانه شدیم یا در راه یگانگی افتادیم . با خود مون بیگانه شده بودیم با حاصل کار مون بیگانه شده بودیم با جامعه بیگانه شده بودیم اعتمادی وجود نداشت و دلیم با همستی هم بیگانه شده بودیم با متن جهان بیگانه شده بودیم مسیر توحید ، مسیر یگانگی یعنی حل همین اختلافات حل همین تضادها این یعنی اعتدالی کلمه توحید پس با اون روابط توحیدی که در شهر حکمفرما شده بود توطئه ها به ثمر نرسید ، قحطی ها بثمر نرسید ، از سال ۱۳۰۴ بلوایان قحطی نان تا اوج مبارزات نفت دو باره قحطی ، باز قحطی همیشه از قحطی ها بوده میساختند ، برای اینکه جنبش را ضحرف کنند دیدید که چطور مقاومت کردید اینجا هم همین طور روابط ما هم اگر عاری از بلند نظریها انقلابی باشد اگر مسئله فقط این باشه گرفتن ستون این روزنامه یا اون ، روزنامهها گرفتن این جا یا اون جا این بلندگو یا اون بلندگو ، خودمون بدست خودمون دست آورد هامون را نابود کردیم نگذارید شهدا ما را نفرین کنند . بنابراین در مقابل این مسأله داخل جنبه داخلی بایستیم در مقابل تفرقه افکنی مقاومت کرد ، مگر پیشوای ما نمیگفت ان کان دین محمد تستقل الا به قتل فانیا . . . شمشیرها را بگیرید اگر دین محمد اگر کلمه توحید جزیه این است و انصاف نموند . پس اگر اعتدالی کلمه توحید جزیه این است و انصاف نموند این است و انصاف نموند ماند این را هم باید پذیرفت والا مقام تحسین هائی که نثار ما شده بر ما حرام باد ، فرزند خلقمون نبودیم میگفتند اینجا جزیره ثبات است نه ، ولی ما دیدیم : شکست برنامه های اقتصادی که به جای برنامه بهتره بگیریم رسوایی و افتضاحات اقتصادی ، پتانسیل و استعداد درونی انقلابی خلق و سرانجام تحولات بین المللی خود را دشمن رو طبقه حاکم رو هم از درون شقه کرد ، فرسوده هم بود شرایط عینی از پیش هم آفتاب خود اگر چه فعلیتش را میخواستند و بعضی نمیدیدند . پس انفجار عظیم بوتوق پیوست .

برادران مجاهد شما در فلسطین بودند با برادران الجزایری صحبت داشتند کم و بیش ، شما انقلابات پیروزند جهان را همه مطالعه کردید ، سا زمان داشتند سلاح و خلق ما چه داشت فقط سینه ای سپر کرده و آنطور که تپوزندان میشنیدیم در اون شبهای محرم با تکبیر این خلق این طور تنها اینجا این پیروزی را بدست آورده ولی برط اگر این پیروزی را ادامه ندیم درست شرایط عینی هم بسه ترتیب خاص خودش پیدا شد منظورم مظهر مقاومت مردم ایران امام مجاهد آیت الله خمینی است .

تیلور شرف و سازش ناپذیری مردم ایران که دیدید در پیامون آرزو کرده بودیم ایکاس باز هم آرزو کرده بودیم انشاء الله مراحل آئینده هم همینطور باشد ، منظورم حضرت آیت اله طالقانی است . درود بر

طالقانی همیشه دست نوازش ایشان را بر سر فرزندان مجاهدشون میکشیدند یکی دو شب پیش هم تشریف آوردن دیدن ما با نهایت فروتنی . ما این عینیات را هم داریم این ارزشهای مادری و این ارزشهای معنوی را داریم پس ما مبارکه فرشتهها را از دست بدیم و به نسل نفرین شده اخ خودمون را تبدیل کنیم به صراحت باید گفت برادران و خواهران مبارزه حق همه بشری است و حق هر نیروی است و ویژگی انسان است که اگر انسان مبارز نباشد که انسان نیست اگر صرفا تسلیم شرایط میبود که انسان نبود چرا گوسفندها وقتی هموعشان را میکشند شورش نمیکند و دست به اعتصاب و تظاهرات نمیزنند ، بلکه اسلام ما اسلامی نیست که مبارزه را انحصاریه نیرو یا گروه خاص بداند مگر پیشوای ما ننگت خوب وقتی دین نداری آ زاده باشید ، حرمت کلمه زدن حرمت کلام مبارزه باید حفظ بشه ما چنین اسلامی نداریم ، مبارزه حق هر انسانه ، حق طبیعیش ، حق فطریش ، حق که با اون زاده شده پس باید به یکدیگر احترام بگذاریم حرمت هم را حفظ کنیم و مانع تفرقه بشویم ، تفرقه چیزی نیست جز انعکاس دشمن و عواملش در صفوف ما ، این کمی از حرفای دلم و درد دلم اگر خسته نیستید مسی خواهم گزارش کوتاهی هم بدم البته خواهش میکنم که بگید اگر خسته نیستید اگر بیرون سرد نیست و الا قطع کنم چیزی که حالا میخواهم بگم گزارش خیلی کوتاهی است که حتما باید روزه بشه به شما و تمام خلق قهرمان و به خصوص به دانشگاه گزارش کوتاهی از ۴ سال فعالیت سازمان مجاهدین و هفت سال زندان ما ، طبیعتا میدانید تقدیم چنین گزارشی که مستلزم توضیحاتی فراوان در مورد مسایل اجتماع ، سیاست و استراتژی ایران و بنیوت ایدئولوژی خود ما هست و جریانات و وقایعی که از سرگذرانیم مستلزم ساعتها و نشریات زیادتری هست ، بنابراین من مطلب را خلاصه میکنم و فقط - اطلاعیه مجاهدین رابته دنبال جریانی که در دو سه سال پیش سال ۴۵ یعنی یک کودتای اپورتونیستی که در داخل سازمان افتاد اطلاعیه را مجاهدین صادر کردند که طوری بطور خلاصه در ۱۲ ماده که حاوی تقریبا " نقطه نظرهای ایدئولوژیکی ، سیاست و تشکیلاتی که فکر میکنم به همین قناعت کم کافی باشه . این موارد را تکیه بر اتون میخونم . مال سال ۴۵ است اصلش در سال ۴۵ تدوین شده بعدا " بوسیله بعضی از آقایان حتی افراد غیر مسئول بطور مخدوش نم منتشر شده و چه بسا از طرف بعضی گروهها یا نیروهای انقلابی هم خودشون تکثیر کرده باشن یا منتشر کرد باشن ولی مجاهدین خودشان نگردن بنابراین کلمش را تا اونجا بیکه در اینجا من بتوانم میخونم و تک تکش را هر کدام مقداری توضیح میدم امیدوارم با کمی توجه همین رابه مثابه یک گزارش کوتاه از من قبول کنید تا بعدا "

اطلاعیه مجاهدین خلد ایران - اطلاعیه تعیین مواضع مجاهدین خلد ایران

در برابر جریان انحراش چپ نما

- ۱- سازمان مجاهدین خلد ایران سا زمانی استیا ایدئولوژی اسلامی معتقد به مبارزه مکتبی که در سال ۱۳۴۵ به وسیله محمد حنیف نژاد ، سعید محسن ، اصغر بدیع زادگان بنیانگذاری شده و مجاهدین ادامه دهنده آنها هستند .  
خوب اینکه روشنده اعتقاد به مبارزه اصیل کتب ، طبیعتا " مبارزه فی نفسه مقدس و محترمه ولی برای - ادامه اش برای استمرارش به خصوص در مراحل پیچیده تر وقتی که مثلا صرفا مسئله ناسیونالیستی باصطلاح نباشده ضرورتا " ما بدمکتبه و ایدئولوژی نیاز داریم .
- ۲- جریان اخیر ( تغییر دادن ایدئولوژی سازمان ) این جریان اپورتونیستی ( انحراش ) چپ نما است که سردمداران آن تأکید میکنم فقط سردمداران آن به سازمان مجاهدین خلد ایران

و در نتیجه به جنبش ایران خیانت کردند . مسئله ما به هیچ وجه خصوصیت نیست ما معتقدیم که "لا اکره فی دین قد تبین رشد من الفی" هیچ اکراهی و اجباری در مکتبما نیست هر کس باید بفهمد چرا مبارزه میکند چرا شهید میشود چرا جان میبازد و چرا اسیر میشود پس باز وقتی میگوئیم ایمن جریان ، جریانی است انحرافی منظورمان خودنسی ایدئولوژی نیست هر کس آزاده ، ایدئولوژیست را هر طور که میخواهد انتخاب کند منظور نحوه برخورد سیاسی است با خود سا زمان ، این عملکرد است انحرافی یعنی غیر اصولی به ظاهری چپ نما به ظاهر مترقی ولی در باطن در خدمت راست در خدمت رژیم در خدمت رژیم که او اول مارکسیسم اسلامی را علم کرد ، برای اینکه ما را از مردم ، از نیروهای خودمون ببرد پس مسئله در این نیست که شما انچه را این اعتقاد یا اون اعتقاد را قبول دارید ، مسئله در اینکه اعتقادتون برای خودتون محترم ولی بسا زمان که مردم به اون چشم دوخته اند ایدئولوژیست اعلام شده به خاطرش شهید شده اند ، و نقطه امید شفاه به این چکار دارید در این جریان ؟ ما منظوریکه الان عرض کردم مسئله خیانت و مسئله انحراف ، مسئله انحراف مربوط به کل جریان ولی مسئله خیانت مربوط به سرداران است نه به افراد بی اطلاع نه اونهاییکه خبری نداشتند نه بسه سطوح پائین ، اونها که اطلاعی نداشتند اونها که چیزی نمیدانستند اونها آمده بودند فکر میکردند اصل "مجاهدین یعنی همین" .

۳- این جریان اپورتونیستی چه نما هیچ گونه تفسیری در تضاد اصل ما ایجاد ننموده دشمن اصلی ما همچنان رژیم و حاکمان امپریالیست آن میباشد ( البته چون مربوط به سالهای ۵۴ و ۵۵ است ) .

منظور از رژیم دیکتاتوری هم بود و حاکمانش بوده ، این ترتیب مطرح شده مبارزه ما اصل کار ما تا مرحله انقلاب دمکراتیک ، پایان پیدا میکند اساساً با امپریالیزم است اگر دیکتاتوری هم کار داشتیم به علت ماهیت امپریالیستی آن بود نه این بره اون بیاد . دلیل نشاء و تدوین این ماده اینست که عده ای که شاید اسلام را در نظر نگرفتند شاید که نه ، قطعاً فکر میکردند چنین چیزهایی پیش میاد که خیلی در جنبشها طبیعی است مگر ما در زمان خود حضرت علی مسئله خوارج نداشتیم مثلاً جنگ جمل نداشتیم طلحه و زبیر نداشتیم ، خوب مسئله خیانت خالد بن ولید را که بیای اسلام نمی نویسند به پای حضرت علی ، کما اینکه هر اختلاف نظر و عقیده ای که با بایک مکتب دیگر داریم هر کاری را که نباید به حساب خود اون مکتب گذاشت مثلاً شما خوشتان بیاد ، اگر کارهای ملك سعود را که کعبه هم آنجاست به حساب اسلام همه اش را بگذارند یا اگرهای ضیاء الحق را ، خوب اینکه معلومه .

۴- این جریان اپورتونیستی ، چه نما یعنی جریان انحرافی به هیچ وجه حق استفاده از نام مجاهدین را ندارد و اداعه استفاده از آن برتانه استمرار خیانت استنظام مجاهدین متعلق به سا زمان مجاهدین خلق ایران است که بایستی بدون هیچ گونه تفسیری با همان آرم و همان آیه و سالتاسیس مورد استفاده قرار گیرد .

ملاحظه می کنید وقتی ما به یاد مبارزه مکتب معتقدیم سمبولیزیم آن هم خاص خودش ، یعنی نشانه ها و علائم آن با علامتها و نشانه ها و سمبولهای که به مردم معرفی میشه بنا بر این ایراد ما اینست وقتی میگوئیم این عملکرد ، عملکردی است انحرافی از نظر سیاسی دلیل این نیست که چرا شما مارکسیست شدید در اینکه چرا علیه رژیم تفسیر ایدئولوژی با یک سا زمان مثل شرکت سهامی برخورد می کنید ، چرا در حرف سوسیالیست ولی در کردار امپریالیست هستید ، سا زمان ملک خصوص نیست ؟

همیچ جریان یا عناصر مسلمان نباید با این جریان اپورتونیستی ارتقا و همکاری داشته باشد هر گونه همکاری و ارتباط با زشکاری محسوب می شود .

چرا برای اینکه روشنه ، تأیید یا حمایت کسی که مرتکب این خیانت شده اند . مسئله مایا سا زمان بخصوص نیست مسئله ضربه زدن به امید و اعتماد توده های مردم است مسئله مارکسیسیم - اسلامی است که سا واک خوشش میاد کما اینکه با آنها بودیم و بعد از این جریان جشن گرفتن اونها رو هم دیدیم .

۶- ما با این جریان اپورتونیستی چه نما مبارزه میکنیم تا خدک صحیح بازگشت یا عزوی گردد ، مبارزه ما سیاسی یا شیوه های افشا گرانه است هر گونه استفاده از شیوه های ارتجاعی از قبیل کشتن و لو- دادن و همکاری با پلیس و کما گرفتن امکانات رژیم را در این راه محکوم میکنیم . همونم که قبلاً در مورد روابط نیروهای مختلف خلق گفته سم مسئله برخورد متقابل نیست اگر شما میبینید یعنی خطاب هم با تمام نیروهای مردمی هست طرف مقابل شما در جایی تنگی نظری نشان داد اولین آسایش را خودش خواهد خورد ، خودش از صحنه محو خواهد شد مگر نیست که " کل نفسه به طکسیت رهینه " هر کس خودش مسئول اعمال خود هست ، اگر امروز نرسه فردا میرسه ، نگاه کنید به انبوه احزابی که بودند از صدر مشروطیت تا به حال و ببینید تا به کجا هر کدام از امتداد مردم برخورد کرده اند . این عملکردها تأثیر خود شون را میگذاره پس مسئله این نیست در داخل نیروها و مردمی دست به کشتار بزنیم اگر کشت طرف ما هم بکشیم . یا بگیریم اینم دشمنه یعنی همون دشمن اصلی ، با انحراف در داخل نیروهای خلق نه بطور متعارف دلور مسا لذت آسیر و بطور سیاسی اول انتقاد میکنن کما اینکه ما کردیم ولی فایده نداشت و اگر نشد با مردم طرح میکنه یعنی افشاگری میکند یعنی اینکه مردم قضاوت خواهند کرد و این توده های مردم هستند که بطور تاریخی آزاده خدا را هم ضحک میکنند ، سرانجام دست آخر آزاده خدا هم بطور تاریخی از زمین طریق و از زمین جبراً اعمال میشه جهان جهان حقی است . باطل را درش راهی نیست گرچه هستی موزون و بقاعده و منتظمی هست هیچ حقی از میان نخواهد رفت ، حتی مشقال ذره ما بایستی مطمئن باشیم شتاب زدگی ، عجله ، برخورد های انحرافی یا ارتجاعی فقط خودمون را خراب خواهد کرد .

۷- مابین این اپورتونیستها و سایر مارکسیستها تفاوت قائلیم مگر اینکه آنها این اپورتونیستها را تأیید کنند .

برادران ، کسی از شما نخواسته که عقاید خودتون ، ایدئولوژی خودتون را فراموش کنید یا به آن ارج نگذارید طبیعتاً من به عنوان یک جوان مؤحد هستم و طبیعتاً ایدئولوژی من توحیدی است ، چریک ، فدایی ، هم ایدئولوژی خودش رو داره و این هم به خاطر اون جن نداده و جلن حیده . مسئله این نیست که با تفسیر میکنیم اختلافی نداریم بحث بر سر این نیست بحث بر سر این هست که تفاوت قائل بشیم ، این نیروهای مختلف والا اونها هم حق خواهند داشت با ملک سعود و ملک فیصل در کاری رو که میکنه به حساب اسلام بگذارند و به حساب مسلمانها و این حقیقت جوانه نسبت ، بفرز نیروی مقابل شما اینکار رو بکنه شما اگر تلافی بکنید این تلافی بسر نبودن در میاد یعنی دافعه اون شما رو پرتاب میکنه به واضع خلط و از مواضع اصولی خواهید لغزید در این مورد بایستی بعداً بیشتر صحبت کنیم .

۸- ما بینه ام نیروها تیکه علیه ارتجاع و امپریالیزم و استثمار مبارزه میکنند . احترام میگذاریم و از دستاوند های عملی و تجارب انقلابی آنها استفاده میکنیم .

فکر نکنید که ضرری میکنید، احترام گذاشتن به کسی که حتی با احساس اختلاف دارید احترام گذاشتن به خودتون هست و چرا که احترام نگذارید نگر اینکه دست خودتون خالی باشه این ویژگی مجاهدینه، یعنی اسلام، یعنی قرآن، آزادی، آقا سارزه میکنه حتی هر بشری است، هر قدم درستی را، درست را، خدا که که درست هم باشه بایستی بیشتر احترام گذاشت مگر پیغمبر ما قبل از اون تولون پیمانی نبود که با یک آزاده در مقابل ستمکار قیام میکرد و حقوق مظلومین را از اونها می گرفتند هر کس که بیشتر آشناست به فرهنگ اصیل اسلام به معنی واقعی توحید داشته باشد میدونه که این حرف حرف اسلامه.

۹- ( باز هم چون طل اون زمان است) مجاهدین اسیر ما در داخل زندان ها نبایستی با این اپورتونیستها رابطه ای ( منظور روابط سیاسی است) جز رابطه انسانی و حداقل رابطه صنفی برقرار کنند. "طبیمنا" وقتی ما با نیروئی قهر دستیم روابط سیاسی نخواهیم داشت ولی نداشتهن روابط سیاسی به معنای این نیست که انسان بودن خود را فراموش کنیم و یا مثلاً "فراموش کنیم که در داخل زندان پلیس هم هست که رژیم هم هست کما اینکه در مبارزات خارج زندان هم هست و همه جا هم هست.

مسئله اینکه کاری کنیم که به نفع دشمن توهم نشه اگر کاری کنیم که به نفع دشمنمون باشه معنایش اینه که یعنی به ضرر خودمون.

۱- این جریان اپورتونیستی چی نما موجب بروز زودرس یک جریان راست ارتجاعی شده است که در مرحله کنونی تجدید اصلی درونی مجموعه نیروهای است که تحت عنوان اسلام مبارزه میکنند که طهم به آن مبارزه میکنیم. جریان فوق از ضدیت با نیروهای انقلابی بویژه مجاهدین شروع شده و سپس در مسیر رشد خود با نفی مبارزه مسلحانه به سازشکاری و تسلیم طلبی و سرانجام خروج از جبهه خلق و تغییر تضاد اصلی منجر میشود این جریان اپورتونیستی خطر بروز رشد ضد ارتجاعی را در درون نیروهای مترقی مسلمان پیش میآورد. در مورد ادامه دهندگان راه مجاهدین گرایشات راست از تجد نظر در دیدگاههای بنیادی سا زمان آغاز میشود.

خوب این خیلی مهمه باید توضیح بدم. برای اونهاییکه جامعه را میشناسن روشنه که ارتجاع امروز و دیروز که خلق نشده بدنیانیومد هولی میشه با برنورد غلط تحریکش کرد. ما تلاشمون بر این بود که رادیکالیزم انقلابی اسلام را بر اونها بگسترانیم درست به همین دلیل رژیم مارک مارکسیسم اسلامی را علم کرد و چه جواب خوبی حضرت آیت الله خمینی به این دادند. جوابی که لابد خوندید در مصاحبه ای که ایشان داشتند با روزنامه لوموند. پس یکی از تأثیرات این جریان باعث شد که لابد از زیر اون چتری که مورد نظر ما بود نیروهای خارج بشن بطورودر سر فعال و آثارش را لابد هر روز ببینیم و دیدیم. ولی ما به صالح روز ایدئولوژی خودمون یعنی اسلام و توحید را نخواهیم فروخت و نخواهیم رفت با چنین موجوسی خوشبختانه تا بجای نرفتیم. این مهمترین نکته گزارشی است که باید به عرض شما برسونه. کسی که ایدئولوژی و اصول داره "طبعا" مصلحت گرانیست پراگماتیست نیست. بحث بر سر انعطافات سیاسی نداریم.

بحث بر سربسی اصولیه، یعنی فقدان وجدان ایدئولوژیک، به همین دلیل تعدادی به نام مجاهد ولی ما مجاهد وجود داشتند و دارند که اونها هم فکر میکردند و میکنند ( قبلی ها از موضع چپ نمائی اینها از موضع راست که یاد سا زمان با یک مکتب شرکتستهام است آدم سر سبم داره پس منهد مجاهد هستم بایستی به عرضتون برسونه اینها تصفیه شدند اگر لازم باشد برای تصفیه صفومون برای پاکی صفومون، حتی اسامی شان اعلام خواهد شد. افشاگری های وسیعتری هم خواهد شد، میدونین چرا؟ چون به قول عرفات گفته بود: "ضربه ای که من را نکشد رشدم. و زود دارم". خوشبختانه در مسیر دست یافتن به

درست استوار در راه عقیده رو داد درس اصول رو داد نه به مصلحت طلبی و نه مجال طلبی  
برای این چرا که نکنیم ، چرا که تصفیه کنیم ، چطور میتونیم بپذیریم که بر دامن اسلام لکه ای نیفتد  
اسلام چاهدین .

سلطه جویان اپورتونیستی چپ نما در سازمان با اعمال شیوه های ضد انقلابی و استفاده فرصت  
طلبانه از موارد زیر صورت گرفته است :

الف - تکمیل نشدن کار ایدئولوژی سازمان و پیاده نکردن تعلیمات ایدئولوژیک در سطح وسیعی  
از کادرها به کف به علت رشد کمی نامتناسب با کیفیتها .

ب - ضربه شهریور . ه که خیلی برای مضمه و ازدست دادن گدرهای با صلاح و دز نتیجست

عملزدگی و دنبال نکردن کار ایدئولوژیک .

ج - ترك تعلیمات ایدئولوژیک سازمان .

موردی که مفصلاً به تشریحات بسیار زیادتری احتیاج دارد که فکر میکنم فرصتشنیاشه .

د - شوین ایدئولوژیک و سیاسی خودمون ایدئولوژی ما اسلام مبتنی بر جهان بینی توحیدی است که خاص  
با شیوه های انقلابی به سمت محو کامل استثمار و استقرار نظام توحیدی ( قسط ) هدایت

میکند و لذا در هر شرایط تاریخی اساساً متکی به محرومترین و بالنده ترین نیروها و طبقات

اجتماعی ( مستضعفین ) میباشد . بنابراین مجاهد خلق در پی ایدئولوژی اسلامی خود است

و رنگبهای شد امپریالیستی و ضد ارتجاعی و ضد استثنائی که در شرایط حاضر مشی مسلحانه را ایجاد

میکند مشخص میشود . وظیفه ما در شرایط کنونی حفظ و حراست میراث مجاهدین و تلاش در جهت

تعمیر و بازسازی آن می باشد .

بنچاهم بایستی کمی توضیح بدیم اسلام ما یعنی اسلام اصیل اون چیزی که بعد از تجارب تاریخی بعد از

قرن های فراوان بعد از مجاهدتهای فراوان تدوین و اینک اندک از چهره اصلش برده برداشته

و رنگبهای ارتجاعی نظامات مرتجع حاکم از روشن برداشته شد . اسلام معاویهای

نویسنده اسلام یزدیدی نیست اسلام علوی است ، حسینی است ، محمدی و ابراهیمی است . اسلام اصیل

آن است که در قرآن چنین وعده داده شده : " و نريد ان نمن على الذین استغفوا فی الارض و نجعلهم ائمه

و نجعلهم ائمه انوارین . . . . " . " ا " کرده ایم بردگی بنهیم بر کسانی که ضعیف داشتند ( استغفروا )

و در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

در دنیا و آخرت . . . . " . " ا " کرده ایم که اینها بر نجعلهم ائمه

هستی با متن هستی ، هستی هدف دار که به جانب کمال بینهایت روونه ، با ز هم باید تاکید کم در  
آخر صحبتها امینا تموم شد . به پرهیز از تفرقه افکنی ، اگر ما داد وحدت میدیم با خلق فلسطین و  
تمام خلقهای زیرستججهان یعنی پس توحید انقلابی رو به صحنه جهان میخواهیم بگسترانیم ، پس چرا  
به تفرقه در خانه خودمون دامن میزنیم و چرا به دشمن این فرصت را بدیم .

در پایان آرزو دارم با چنین خلق قهرمانی اقشا رپشت از روشن فکر ما بخصوص خواهرها و برادرهای  
انقلابی ملن نقش تاریخی خود شون را باز یابند و به این نقش آگاه بشن و با آگاهی عمل کنند . امروز انقلاب  
ایران پیروزی در گرو شماسه است آیا رسالت خودتون را انجام خواهید داد یا نه ، و این رسالتی است پسر  
مشکل . میشه نشست و تا نهایت حرکت خود بخودی را تقدیس کرد ، این جرکت خیلی عظیمه ، خیلی قابل  
ستایشه ، ولی نباید به همیه قناعت کرد . گفتیم ما در آغاز راهیم . راهم بس طول و دراز ، راهی

که مثل قله توحید اداعه داره .

با درود به تمام شهیدای انقلابی خلق

با آرزوی محو تفرقه گری

با آرزوی نابودی امپریالیزم

پیروز باد انقلاب دمکراتیک ایران

سخنرانی مسعود رجوی در دانشگاه تهران

www.kalvat.org  
www.KetabFarsi.com